

# سوژہ لاگانی

بین زبان و ژوئیسانس

بروس فینک

ترجمہ محمد علی جعفری



## فهرست

پیشگفتار.....	۱۳
<b>بخش اول: ساختار: بیگانگی و دیگری</b>	
۱. زبان و غیریت.....	۲۹
لغزش زبان دیگری.....	۲۹
ناخودآگاه.....	۳۶
تن‌های بیگانه.....	۴۳
۲. ماهیت تفکر ناخودآگاه، یا نیمه دیگر چگونه «فکر می‌کند».....	۴۹
شیر یا خط.....	۵۳
پیشامد و حافظه.....	۵۸
ناخودآگاه گرد هم می‌آورد.....	۶۰
دانش بدون سوژه.....	۶۳
۳. کارکرد خلاق واژه: ساحت نمادین و ساحت واقعی.....	۷۱
تروما.....	۷۴
تفسیر به علت اصابت می‌کند.....	۷۸
ناتمامیت ساحت نمادین: کل / حفره در دیگری.....	۸۰
گره‌های ساحت نمادین.....	۸۲

۸۳..... ساختار در برابر علت.

### بخش دوم: سوژه لاکانی

۴. سوژه لاکانی ..... ۸۹
- سوژه لاکانی «فرد» یا سوژه آگاه فلسفه آمریکایی-انگلیسی نیست ..... ۹۰
- سوژه لاکانی سوژه گفتار نیست ..... ۹۳
- سوژه لاکانی در آنچه گفته می‌شود حضور ندارد ..... ۹۵
- فرار بودن سوژه ..... ۱۰۰
- سوژه فرویدی ..... ۱۰۱
- سوژه دکارتی و وارونه‌اش ..... ۱۰۲
- سوژه شکافته لاکان ..... ۱۰۵
- ورای سوژه شکافته ..... ۱۰۷
۵. سوژه و میل دیگری ..... ۱۱۳
- بیگانگی و جداسازی ..... ۱۱۴
- یا این/ یا آن بیگانگی ..... ۱۱۶
- میل و فقدان در جداسازی ..... ۱۲۰
- ورود عامل سوم ..... ۱۲۳
- ابژه a: میل دیگری ..... ۱۲۹
- جداسازی دوم: گذر از فانتزی ..... ۱۳۳
- سوژه‌پردازی از علت: مسئله بغرنج زمانمند ..... ۱۳۶
- بیگانگی، جداسازی و گذر از فانتزی در جلسه روانکاوی ..... ۱۴۲
۶. استعاره و رسوب سوپژکتیویته ..... ۱۵۱
- مدلول ..... ۱۵۳
- دو وجه سوژه روانکاوانه ..... ۱۵۶

۱۵۶..... سوژه به منزله مدلول

۱۶۳..... سوژه به منزله رخنه

### بخش سوم: ابژه لاکانی: عشق، میل، ژوئیسانس

۷. ابژه (a): علت میل ..... ۱۷۳
- «روابط با ابژه‌ها» ..... ۱۷۵
- ابژه‌های خیالی، روابط خیالی ..... ۱۷۵
- دیگری به منزله ابژه، روابط نمادین ..... ۱۷۹
- ابژه‌های واقعی، برخوردها با امر واقعی ..... ۱۸۶
- ابژه‌های گمشده ..... ۱۹۰
- شیء فرویدی ..... ۱۹۴
- ارزش افزوده، ژوئیسانس افزوده ..... ۱۹۶
۸. چیزی به نام رابطه جنسی وجود ندارد ..... ۲۰۳
- اختگی ..... ۲۰۵
- فالوس و کارکرد فالیک ..... ۲۰۹
- «چیزی به نام رابطه جنسی وجود ندارد» ..... ۲۱۴
- برقراری تمایز بین جنسیت‌ها ..... ۲۱۶
- صورت‌بندی‌های جنسیت‌یابی ..... ۲۲۱
- ناقرینگی شرکا ..... ۲۲۹
- زن وجود ندارد ..... ۲۳۳
- مردانه/ زنانه - دال/ دال‌بودگی ..... ۲۳۶
- دیگر بودن [زن] برای خودش، ژوئیسانس دیگر ..... ۲۳۹
- حقیقت روانکاوی ..... ۲۴۳
- وجود و برون-ایستایی ..... ۲۴۳

## زبان و غیرت

### لغزش زبان دیگری

بیماری وارد دفتر کار روانکاوش می‌شود و روی مبل می‌نشیند. او راست به چشمان روانکاو نگاه می‌کند و سررشته سخن را از پایان جلسه قبل به دست می‌گیرد و بی‌درنگ خیط می‌کند: «می‌دانم که در رابطه‌ام با پدرم تنش زیادی وجود داشت؛ فکر کنم به این دلیل که او schnob سختی داشت که اصلاً باب طبعش نبود و برای همین دق دلش را سر من خالی می‌کرد.» او می‌خواهد بگوید «(job)» (شغل) اما در عوض می‌گوید «(schnob)».

گفتمان هرگز تک‌بعدی نیست. لغزش زبانی بی‌درنگ این نکته را به خاطرمان می‌آورد که چند گفتمان می‌توانند همزمان از یک سخنگو استفاده کنند.

در این جا می‌توان دو سطح مجزا را شناسایی کرد: گفتمان با قصد قبلی شامل آنچه سخنگو می‌کوشد یا در نظر دارد بگوید و گفتمان بدون قصد قبلی که در مورد فوق به صورت واژه از شکل افتاده یا به هم ریخته، نوعی تلفیق از «(job)»، «(snob)» و چه بسا دیگر واژه‌ها، ظاهر می‌شود. مثلاً، شاید